

یادداشت مدیر مرکز کرمان‌شناسی

شوقی برای مردم جنوب استان و اشکی به پای تاریخ کرمان



کرمان، تن باستانی‌ها در گور بلرزد و «ژان اوبن» مستشرق معروف فرانسوی ماتم بگیرد که گفت: «هر که تاریخ کرمان را به درستی بخواند، مانند آن است که تاریخ همه جهان را خوانده باشد». رابطه کرمان و جیرفت، در طول هزاران سال، محکم و استوار مانده و از این پس چنین خواهد بود، این پیوند ناگسستنی است. «با شیر اندرون شد و با جان به در رود».

اکنون یاران و دلبستان جیرفت و جنوب، با دل و دیده‌ای به اشک نشسته، او را بدرقه می‌کنند و با ریختن آبی به راهش، عزت افزون این دیار همیشه عزیز را آرزو دارند.

در پایان، از همه نمایندگان عزیز و بزرگوار که با اقدام اخیر، دم از استقلال و جدایی سرزمین‌شان زده و علم «استان شدن» را برافراشته‌اند، تقاضا می‌کنم دست از این آتش‌بازی بردارند و کاری نکنند که با پیروی سایر نمایندگان، از آن همه تاریخ با عظمت و بشکوه کرمان، تنها میدان ارگ و بازار و مجموعه گنجعلیخان برجای ماند و دلبستان تاریخ و فرهنگ این دیار اشک‌ریزان بگویند: تاریخ ما که رفت چه خاکی بسر کنیم؟!

داشت و کافه خدابایمرز صدفی، امکان تغذیه گرم را فراهم می‌کرد، اما کهنوج هیچ اثری از آبادی نداشت، حتی راه آن محصول رفت و آمد کامیون‌های تهر‌بار بود که دو خط موازی به نام جاده را ارائه می‌کرد. دهه ۶۰ هم که توفیق خدمتگزاری مردم جیرفت در مقام فرماندار را داشتم، شاهد بودم که برغم آن همه غنای طبیعی و ارزش‌های تاریخی، تنگناهای مختلفی دامان این دیار را گرفته بود.

اکنون جیرفت و مناطق جنوب، می‌روند تا در قالب «استان کرمان جنوبی» ولاغیر، با داشتن اعتبارات استانی، گام‌های بلندتری بردارند و آرزوی دیرین خود را محقق سازند. همین‌جا می‌خواهم از مردم شریف و بزرگوار جیرفت تقاضا کنم که به هیچ نام جز «استان کرمان جنوبی» تن ندهند و آن را گناهی بزرگ بدانند، زیرا در غیر این‌صورت و گزینش عنوان‌های دیگری که نام کرمان عزیز و بزرگ را به فراموشی بسپارد و یا حتی کمرنگ کند، قابل اغماض نخواهد بود.

از یاد نبریم که چه کسانی برای معرفی تاریخ جنوب تلاش کردند، مبادا این‌که با حذف نام

باستانی‌پاریزی، دکتر روح‌الامینی، هوشنگ مرادی‌کرمانی، شادروان دعائی و... همراهی استانداران این سال‌ها، به عنوان رئیس شورایی مرکز و نیز پشتوانه گران‌سنگ مردمی، تنها یک قلم، قریب ۴۰۰ عنوان کتاب در باب فرهنگ و تاریخ کرمان بزرگ انتشار داده که قریب ۴۰ جلد آن به جیرفت و دیگر شهرستان‌های جنوبی اختصاص دارد. همه این تلاش‌ها از آن جهت بود که این همه شکوه و عظمت را در چشم‌خانه جهانیان بنشانیم. این را هم عرض کنم که اگرچه در دهه‌های اخیر، تا آنجا که از دست برآمد، حق جیرفت و مناطق جنوبی ادا شد و پیشرفت‌های به دست آمده، نشان بارز آن است، اما با مردم جنوب همراهم که در گذرگاه روزگاران، این حق احقاقی نشد. از آن روز که اسکندر سربازان و لشکریان نیمه‌جان‌ش را به جیرفت رساند و به غارت و تاراج این سرزمین، آن‌ها را سیر کرد و به تقویت آن‌ها پرداخت و تا آخرین رشته گیاهان این سرزمین را ریشه‌کن کرد و به مصرف علیق اسب‌ها رساند، تا آن روز که محمدمظفر مبینی و برخی از حاکمان سلجوقی کرمان زمستان‌ها را در جیرفت و رودبار اطراق می‌کردند و لنگر می‌انداختند و کنگر می‌خوردند، به‌ندرت جایی خوانده یا شنیده‌ایم که اینان به جای آن‌چه خوردند و بردند، خبری برجای گذاشته باشند، مگر عمرولیث صفار که مسجدی بنا کرد و خرابه‌هایش امروز پیداست. البته این را هم عرض کنم که این منطقه که از آن به‌عنوان «گنج‌خانه ارباب بضایع» یاد شده، آنقدر غنی و دارا بوده که احساس کاستی نمی‌کرده است.

با این‌همه و به قول کرمانی‌ها «در دیزی بازه، حیای گربه کجا رفته؟» اولین مرتب‌های که جیرفت را دیدم حدود سال‌های ۱۳۵۰ و شاید هم قبل از آن بود که به عنوان مربی بهداشت برای اطلاع‌رسانی از واکسیناسیون عمومی به جیرفت، و از آنجا به کهنوج رفتم، جیرفت، اندک رنگ و روئی

ارگ بم و... به گوش می‌رسد. نیاکان فرزانه‌ای که از یک‌سو «نمرکار» پادشاه «ارت» ریزه‌خوار خوان نعمتش بود و درخواست کرد تا هنرمندان سنگ‌تراش جیرفت، برای تزئین کلاه‌هایش او را یاری دهند، از سوی دیگر نعمت خط، به عنوان آغاز حیات تازه در زندگی بشر را به جهان ارمان سازد، برای اولین‌بار در تاریخ جهان به صنعت ذوب مس دست یابد، جواهرات ساخت شهدای‌هایش، در بین‌النهرین و دیگر تمدن‌های آن روز دل از عارف و عامی ببرد، درفش پنج‌هزار ساله‌اش، حدیث اقتدار و بزرگی کرمان را بر بام زمان آواز دهد، بوی ادویه و فلفل و زیره، در جای‌جای راه ادویه و فلفل به‌عنوان بخشی از راه ابریشم، مشام جان را پر کند، حکایت مظلومیت زنانش، بر سینه قلعه‌سنگ، حک شود، روایت بزرگی‌های ملک و ملتش بر صحیفه خشت‌های خام ارگ رقم خورد و... این‌گونه تاریخ بزرگی‌هایش نوشته شود.

امروز یکی از حسرت‌های بر دل مانده ما این است که باید «دیلمون» به عنوان نخستین خاستگاه تمدن بشر(به اظهار یونسکو) را در گوشه‌ای از «عمان» که روزگاری جنوبی‌ترین نقطه کرمان بوده، پیدا کنیم و تمامی تلاش خود را به کار گیریم تا این افتخار بزرگ جهانی را برای کرمان ثبت و ضبط نماییم، و خدا را که ما در چه اندیشه‌ایم و دوستان در چه خیال.

امروز تمامی همت ما به میدان آمده تا به جهانیان بگوییم ادعای سومریان به عنوان مخترعین خط در جهان را فراموش کنید، زیرا به اظهار پروفسور لمبرگ کارلوفسکی، نیاکان سرافراز ما در حاشیه هلیل، سیصدوپنجاه سال قبل از سومریان، به خط دست یافتند و این افتخار بزرگ را برای مردم شایسته کرمان بر جای بگذارند.

امروز مرکز کرمان‌شناسی در پناه ۳۵ سال تلاش شبانه‌روزی و همراهی و همکاری همه ناموران تاریخ و فرهنگ معاصر، همچون استاد

سرانجام شهرستان جیرفت و سایر مناطق جنوب‌غربی، یعنی همان هند کوچک ایران که جان‌مایه حیات اقتصادی و تاریخی کرمان و پشتوانه محکمی برای کشور به‌شمار می‌رود،

از پیکره کرمان جدا شد و چهره استان به‌خود گرفت، اقدامی که - درست یا نادرست - آرزوی مردم جنوب را برآورده ساخت و مردم کرمان را با این شادی و سرور همراه نمود، شادی، به انگیزه مشارکت در خوشحالی این مردم والا بر آنچه به عنوان پاره‌پاره شدن تاریخ کرمان بزرگ مطرح است، گریانیم و اشک حسرت می‌ریزیم، زیرا هزاران سال است که مجموعه استان بزرگ کرمان، دست در دست هم فراز و فرودها را پیموده‌اند، در شادی‌ها و غم‌ها شریک یکدیگر بودند و کرمان، همواره می‌باید که «سعادت است تو را داشتن که من دارم».

امروز هم اگر بغض‌مان را فرو می‌خوریم و هق‌هق گریه‌هامان را برملا نمی‌کنیم، تنها با این خوشحالی است که نام کرمان، همچنان زیب و زیور این منطقه بوده و «استان کرمان جنوبی» در جوار «استان کرمان» مرکزی همچنان سر بر شانه یکدیگر دارند و هر دو نام عزیز و بزرگ «کرمان» را زیب و زیور خود قرار داده‌اند.

یقین دارم مردم خون‌گرم و حق‌شناسی که اینجانب قریب دو سال خدمتگزار آن‌ها در فرمانداری جیرفت بودم و با روح بزرگ مردمانش آشنا هستم - نامی جز این را برنخواهند یافت.

برای روشن شدن موضوع، بیان این اصل را بایسته می‌دانم که هیچ افتخاری برای کرمان و کرمانی، بالاتر از این نیست که نام بزرگش بر پیشانی تاریخ رقم خورده و صدای پای مردمان فهیم و اندیشمند آن از کوچه‌های کنارسندل جیرفت و تیه‌یحی بافت و تل‌ابلیس بردسیر و شهرک صنعتی شهداد و قلعه‌سنگ سیرجان و



سیدمحمدعلی
گلابزاده

شهرداری طرح میدان ارگ را بدون نظر مشاور دست‌کاری کرده است

آن توجه جدی نشده است. نمونه‌های بسیاری از این خطاهای اجرایی در پروژه‌های شهرداری قابل مشاهده است، بوستان‌ها و پارک‌های اجرا شده چند سال اخیر را ملاحظه بفرمایید. نمونه دیگر آن، محوطه مقابل ساختمان شهرداری کرمان است که علیرغم اینکه مدت زیادی از اجرای آن نگذشته اما ملاحظه می‌شود که بسیاری از سنگ‌های کف، نشست کرده و ترک خورده‌اند، چون زیرسازی و اجرای آن به‌خوبی انجام نشده است یا شیب‌بندی و زهکشی مناسبی که آب‌های سطحی و زیرسطحی به مصالح آسیب نزنند، به‌طور مطلوب اجرا نشده است. متعقد باید چند ناظر متخصص و دارای دانش فنی به‌طور مداوم در پروژه حضور داشته باشند و بر آنچه انجام می‌شود نظارت دائم داشته باشند تا عمر مفید این پروژه و سایر پروژه‌ها به حداکثر زمان ممکن برسد و با تدبیر و تخصص، این بودجه‌ها که بیت‌المال و امانت مردم است، بیش‌تر مراقبت شوند.

اولویت‌هایی وجود دارد که به این مسائل مهم توجه نمی‌شود.

برای طرح خیابان تجلی چه می‌توان کرد که پهنه‌ی شود؟

پیشنهاد این است که یک کارگروه تخصصی با حضور جمعی از معماران و طراحان شهری و شهرسازان و مهندسان عمران و ترافیک تشکیل شود، طرح آسیب‌شناسی شود و اصلاحات احتمالی در آن صورت گیرد تا نتایج بهتری گرفته شود. مشکل دیگری که در پروژه ارگ و تجلی وجود دارد ابعاد فنی آن است. بعید می‌دانم دوام مصالح به‌کار رفته بیش از سه، چهار سال باشد؛ چون می‌بینم موارد فنی از قبیل زهکشی، زیرسازی، لایه‌کوبی، شیب‌بندی، اسکوپ سنگ‌ها و ... را خیلی جدی انجام نداده‌اند. اگر همه بحث‌های مربوط به مبانی طرح را کنار بگذاریم، از بدیهیات است که وقتی بودجه‌ای هزینه می‌شود، پروژه باید دوام داشته باشد ولی متأسفانه در این پروژه، به

این کمیته‌های فنی باید با حضور کارشناسانی بیرون از بدنه شهرداری تشکیل شود. درست است؟

اکثریت اعضا باید افرادی خارج از شهرداری باشند ولی حتما نماینده‌ای متخصص از شهرداری هم باید در این کمیته‌ها باشد تا زبان مشترکی وجود داشته باشد. اینکه کمیته‌های در شهرداری باشد و خودشان ببرند و بدونند؛ نتیجه‌اش می‌شود همین اتفاقاتی که تاکنون در شهر رخ داده است. درباره همین طرح خیابان تجلی، حتما می‌گویند یک نفر نبوده که طرح را تغییر داده است و گروهی از کارشناسان این تغییرات را اعمال کرده‌اند. در بسیاری از پروژه‌های دیگر از جمله شهرک‌های جدیدی که دارد شکل می‌گیرد مثل شهرک لاله، شهرک مطهری و شهرک الهیه سال‌ها متخصصان هشدار داده‌اند، فریاد زده‌اند و پیشنهاد داده‌اند که اشتباهات گذشته تکرار نشود، ولی باز هم در بر همان پاشنه می‌چرخد. نمی‌دانم چه

دارید؟

بنده معتقدم درباره این پروژه که هنوز فرصت اصلاح وجود دارد و برای پروژه‌های آینده هم حتما خیلی خیلی بهتر از این می‌توان عمل کرد؛ روش‌های مختلفی مثل برگزاری مسابقه و فراخوان وجود دارد، اما من فکر می‌کنم طرح‌های معماری قبل از اجرا، باید در کارگروه‌ها و کمیته‌های فنی با حضور افراد متخصص بی‌طرف که ذی‌نفع نیستند، مورد نقد قرار گیرند. بهترین روشی که در معماری به آن رسیده‌ایم، همین تکیه بر خرد جمعی متخصصان است. شهرداری کرمان به شدت نیاز دارد کارگروه‌های «تخصصی» را تشکیل دهد. چیزی شبیه کمیته نما که در شهرداری تهران فعال است. تجربه نشان داده که هرجا کمیته‌های فنی بوده‌اند، نتیجه خوبی حاصل شده است. البته شفاف‌سازی و نمایش عمومی طرح‌ها قبل از اجرا هم می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد.

ادامه از صفحه ۳

ورود خودروهای اضطراری مثل آمبولانس و آتش‌نشانی را هم که در هیچ شرایطی نمی‌توان ممنوع کرد. درست است اتومبیل عامل حیات نیست اما حیات اجتماعی به هر حال وابسته به خودرو است و عملاً نمی‌توانیم بگوییم خودرو هرگز به این محدوده نیاید. من فکر می‌کنم اجرای کف‌سازی به گونه‌ای که سرعت حرکت خودروها را کاهش دهد و محدود کردن ورودی‌های پیاده‌راه، روش خوبی است که در دنیا هم استفاده شده و جواب داده است. البته ممکن است مقاومت‌هایی در برابر این محدودیت‌ها ایجاد شود و مقداری کار سخت باشد اما قطعاً نباید مثل گذشته اجازه تردد آزادانه خودرو در این خیابان و میدان داده شود. **فکر می‌کنید هنوز فرصتی وجود دارد که اشتباهاتی که شهرداری در این طرح‌ها مرتکب شده را جبران کرد؟ چه پیشنهادی**

آگهی تغییرات

شرکت تولید کشاورزی سبزواران لاهیجان شرکت تعاونی به شماره ثبت ۱۲۵۴ و شناسه ملی ۱۰۶۳۰۰۸۴۸۲۰ به استناد صورت‌جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۱/۱۳/۱۶ و منضم به نامه شماره ۲۰۵/۲/۰۱۱۱/۱۸۴/۵۴۵۰۷ مورخ ۱۴۰۱/۳/۲۳ اداره تعاون روستایی شهرستان رفسنجان ۱ - پس از قرائت گزارش هیئت‌مدیره و بازرسان عملیات ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۹ که مورد تأیید بازرسان قرار گرفته بود مطرح و کلیه ارقام و مواد ترازنامه و حساب سود و زیان سال ۱۳۹۹ مورد تصویب قرار گرفت. ۲ - اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت‌مدیره برای مدت سه سال به شرح ذیل انتخاب گردیدند: آقایان علی یار قلی با کدملی ۳۰۵۱۶۹۲۲۷۷ - محمدعلی نسب با کدملی ۳۰۵۱۷۵۲۰۵۳ - عباس حاج باقری هرمزآبادی با کدملی ۳۰۵۱۷۵۱۵۷۱ - عباس قصابی لاهیجانی با کدملی ۳۰۵۱۷۲۱۵۲۲ - احمد قصابی لاهیجانی با کدملی ۳۰۵۱۷۲۰۲۶۷ به‌عنوان اعضای اصلی و آقایان - عباس قادری علم آبادی با کدملی ۳۰۵۱۷۱۸۵۴۸ - مهدی امیری نژاد با کدملی ۳۰۵۰۴۶۷۴۹۵ به‌عنوان اعضای علی‌البدل هیئت‌مدیره ۳ - محمدحسین نسب قدرت‌آباد با کدملی ۳۰۵۱۶۴۹۸۶۴ به سمت بازرس اصلی و اکبرخالوئیان علم آبادی با کدملی ۳۰۵۰۹۵۴۲۱۳ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب شدند. ش ۱۳۵۰۰۶۶

اصغر نارویی

رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۱ کرمان

آگهی تغییرات

شرکت تولید کشاورزی سبزواران لاهیجان شرکت تعاونی به شماره ثبت ۱۲۵۴ و شناسه ملی ۱۰۶۳۰۰۸۴۸۲۰ به استناد صورت‌جلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۱/۱۳/۱۶ و منضم به نامه شماره ۲۰۵/۲/۰۱۱۱/۱۸۴/۵۴۵۰۷ مورخ ۱۴۰۱/۳/۲۳ اداره تعاون روستایی شهرستان رفسنجان ۱ - علی یار قلی با کدملی ۳۰۵۱۶۹۲۲۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره - محمد علی نسب با کدملی ۳۰۵۱۷۵۲۰۵۳ به سمت نایب‌رئیس هیئت‌مدیره - عباس حاج باقری هرمزآبادی با کدملی ۳۰۵۱۷۵۱۵۷۱ به سمت منشی هیئت‌مدیره - عباس قصابی لاهیجانی با کدملی ۳۰۵۱۷۲۱۵۲۲ به سمت عضو اصلی هیئت‌مدیره - احمد قصابی لاهیجانی با کدملی ۳۰۵۱۷۲۰۲۶۷ به سمت عضو اصلی هیئت‌مدیره آقای امیرحسین ناصری پوردلفارد به شماره ملی ۳۰۳۱۴۱۹۴۹۹ به سمت مدیرعامل ۲ - حق امضاء کلیه اسناد و اوراق تعهدآور به‌استثنای مواردی که هیئت‌مدیره به منظور اداره امور جاری شرکت ترتیبی خاص داده باشد با امضاء مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره و در غیاب رئیس هیئت‌مدیره با امضاء نایب رئیس هیئت مدیره معتبر خواهد بود اوراق عادی شرکت با امضاء مدیرعامل است مگر مراسلات هیئت‌مدیره که به امضاء رئیس هیئت‌مدیره صورت خواهد گرفت. ش ۱۳۵۰۰۶۷

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان

مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری رفسنجان